

در گذشتگان

در گذشت آیت الله سلطان القراء

فقیه بزرگوار حضرت آیت الله آقای حاج میرزا جواد سلطان القرائی تبریزی - طاب ثراه - یکی از مفاخر علمای آذربایجان به شمار می رفت. خاندان وی با پیشینه چهارصد ساله، همه از رجال نامی دین و مشهور به فقه و قرائت و تجوید بوده اند و بدین سبب به «سلطان القراء» معروف شده بودند.

فقید سعید در سیزدهم جمادی الثانی ۱۳۱۹ ق در تبریز، در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم، علاوه بر آگاهی کامل از علوم دینی، در فن قرائت و تجوید یدلی طولاً داشت و جدش مرحوم علاّمه آقا میرزا عبدالرحیم - بانی کیان این خاندان - (م نوزدهم رمضان ۱۳۳۶ ق) از اکابر علما و قاریان زمان خویش و استاد بسیاری از علمای آذربایجان، و صاحب «الدر المشرق فی علم التجوید» بوده است. وی ادبیات را در مدرسه طالبیه نزد آقا شیخ حسن نحوی و سطوح فقه و اصول و حکمت و شرح اشارات خواجه طوسی را در محضر آیت الله حاج میرزا جعفر صراف زاده - از شاگردان شیخ هادی تهرانی - و متون فلسفی و کلامی را در مجلس درس حاج میرزا محمد سرخابی آموخت و پس از آن مبانی فقهی و اصولی اش را در محضر حضرات آیات: میرزا صادق آقا تبریزی و سید ابوالحسن انگجی استوار ساخت و بخصوص اکثر استفاده اش از میرزا صادق آقا بود. وی به دلیل هوش سرشار و حافظه قوی، گوی سبقت را از همگنان خویش ربود و در سنین جوانی - حدود ۲۵ سالگی - به مقام اجتهاد نائل آمد و اجتهادش مورد تأیید میرزا صادق آقا قرار گرفت. فقید سعید برای استفاده از درس مرحوم

آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف، مهاجرت کرد، اما این ایام به درازا نکشید و به خاطر تعلق خاطر و ارادت بسیاری که به استادش داشت به تبریز بازگشت و تا پایان عمر مصاحب استاد بود.

وی در سفرهای خویش به عتبات عالیات، مکه و مدینه، بیروت و دمشق و استانبول به تحقیق و تتبع و استنساخ کتاب های خطی و چاپی بسیار پرداخت و از این رهگذر با خط بسیار خوش خود (از محضر کاتب مشهور میر محمد حسین خطاط باشی خط نسخ و نستعلیق را فرا گرفته بود) مجموعه های فراوانی را نگاشت. آن فقید دارای حافظه ای قوی و ذوقی سرشار بود و در تالاب های غزل و قصیده، اشعار بسیار در مدایح و مرثی ائمه اطهار - علیهم السلام - سروده است. ری تدریس خارج فقه و اصول را سالیان فراوان در مسجد جامع صفر علی و مسجد معجز لر ادامه داد و ده ها تن از فضلا و علما را از علم و دانش خویش بهره مند ساخت. او نماز جمعه را واجب تعیینی می دانست و بر این اساس ۵۵ سال آن را در مسجد حاج صفر علی اقامه کرد. ایشان علاوه بر آگاهی کامل از علوم فقه، اصول، ادب فارسی و عربی، حدیث و رجال از دانش تاریخ، جغرافیا، هیئت و نجوم و ریاضی اطلاع فراوان داشت و به نادرستی برخی از محراب های مساجد تبریز و تطابق آنها با قطب جنوب حکم داد.

او همچنین دارای مجلسی خوش، خطی زیبا، فروتنی بسیار (که کس بر او نتوانست سبقت در سلام بگیرد) و زهد در زندگی بود (که تا پایان عمر در خانه ساده اجدادی به سر کرد). پرهیز از تعینات و تشخصات مادی در حیات طیبه اش نمایان بود و در طول زندگی اش اقدام به تأسیس مدارس اسلامی، و تربیت نسلی متدین از جوانان و نوجوانان کشور کرد.

- برخی از آثار مدوّن ایشان عبارت است از:
۱. توضیح المسائل (چاپ ۱۳۳۱ شمسی)
 ۲. حاشیه بر عروة الوثقی
 ۳. حاشیه بر الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة
 ۴. کتاب الطهارة
 ۵. وجوب صلاة الجمعة
 ۶. دیوان اشعار
 ۷. آئین خود (در علم کلام و توحید که جلد اول آن به چاپ رسیده است).
 ۸. تقریرات درس فقه آیت الله میرزا

صادق آقا تبریزی

این آثار غیر از حواشی ایشان بر کتاب های درسی معمول حوزه های علمیه است (که مدوّن نشده اند).

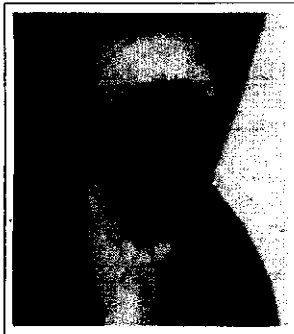
آن فقیه و الامقام سرانجام پس از عمری کوشش در جهت إعلاّی کلمه توحید و تعظیم شعائر الهی، در پایان ماه رجب ۱۴۱۸ ق (دهم آذر ۱۳۷۶ ش) چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست.

ناصرالدین انصاری قمی



در گذشت آیت الله

آقا میرزا حسین هبة اللهی مراغی



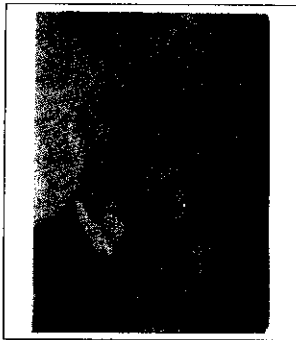
مرحوم آیت الله میرزا حسین آقا هبة اللهی مراغی فقیهی متضلع، حکیمی الهی و دانشوری پر مایه بود و از مفاخر و ذخایر

روی در نقاب خاک کشید.

محمود طیار مراغی

*

درگذشت محمد قاضی



محمد امامی قاضی که بعدها به محمد قاضی تخفیف شهرت داد، از معروف ترین و پرکارترین مترجمان معاصر کشور است که در چند دهه گذشته، واسطه آشنایی بسیاری از فرهیختگان ایران با ادبیات جهان بوده است.

وی در دوازدهم مرداد ۱۲۹۲ هجری شمسی در مهاباد به دنیا آمد. پس از اتمام دوره دبستان به تهران آمد و دوره متوسطه را در دارالفنون به پایان آورد و به سال ۱۳۱۵ موفق به دریافت دیپلم ادبی شد. در اواخر خرداد ۱۳۱۸ گواهی نامه لیسانس را از دانشکده حقوق در رشته قضایی دریافت و پس از آن به دانشکده افسری رفت و همزمان با حمله قوای متفقین به ایران، دوره خدمت و وظیفه را سپری کرد.

نخستین درخشش های ادبی قاضی در طبع آزمایی های وی در دوران تحصیل در دارالفنون نمایان شد و قاضی چونان شاعری جوان از خطه کردستان شناخته شد.

وی پس از خدمت نظام به کارهای متنوع اداری و دولتی روی آورد، ولی از همان ابتدا به خاطر آشنایی و تسلطی که بر زبان فرانسه داشت، گاه گاه به ترجمه شفاهی و نیز کتبی می پرداخت و این مسأله موجب شد که اندک اندک در خود توان و قریحه ترجمه را کشف کند و تا پایان زندگی، عمر خویش را صرف ترجمه آثار برجسته ادبی و تاریخی سازد. بی شک آشنایی نسل کنونی ما با حجم عظیمی از رمان های مشهور غرب، مرهون تلاش و ذوق ورزی های محمد قاضی است. «آثار فراوانی که قاضی از فرانسه به فارسی

معظمش به زادگاهش مراغه بازگشت و با اینکه قصد بازگشت به حوزه قم را داشت، ولی به خاطر مشکلاتی در همانجا ماندگار شد و بیش از چهل سال از عمر پربرتکت خویش را به امر تبلیغ و ارشاد مردم، احیای شعائر الهی، تدریس و تربیت طلاب علوم اسلامی و تألیف همت گمارد. وی مدرسه قدیمی امامزاده محمد را برای تدریس انتخاب و پس از تعمیر و بازسازی مسجد و مدرسه و بقعه امامزاده تا حدود سال ۱۳۵۷ ش که بر اثر کھولت سن و مریضی مزمن خانه نشین گردید، به اداره امور مدرسه و تدریس پرداخت.

فقید سعید در تدریس و اداره امور علمی مدرسه جدیت و نشاط خاصی داشت و در این مدت مدرسه را به یک مرکز فعال و دایر درسی بدل ساخته بود؛ چنانکه خود در طول روز شش درس در مقاطع مقدمات، متوسطه و عالی ایراد کرد. تعداد طلاب در آن ایام (روزگار تاریک رضاخانی و حکومت ننگین محمدرضا) به شصت تن و گاهی بیشتر بالغ می گردید. وی علاوه بر علوم رسمی در شعر و ادب نیز ذوق و قریحه خاصی داشت و اشعار دلنشینی از وی برجای مانده که در آنها «هیتی» تخلص کرده است. مرحوم هبة اللهی به دقت نظر، حافظه سرشار، همت والا، عفت نفس و مناعت طبع شهره بود. یادداشت های نامنظم بسیاری در طول عمر شریفش نگاشت که بالغ بر سی دفتر می شود که برخی از آنها به قرار زیرند:

۱. تفسیر سورة الحمد (تفسیر فلسفی و حکمی سورة حمد به زبان عربی و بالغ بر سیصد صفحه)
۲. کتاب الاستصحاب (تقریرات اصول آیت الله حجت تبریزی)
۳. کتاب البیع (تقریرات فقه آیت الله حجت تبریزی)
۴. امثال و حکم ترکی
۵. تلخیص مثنوی معنوی
۶. حاشیه بر معالم و برخی کتب درسی
۷. دفترچه اشعار

این عالم جلیل سرانجام پس از شانزده سال خانه نشینی، بر اثر کثرت بیماری در چهاردهم رجب ۱۴۱۸ (۲۴ آبان ۱۳۷۶)

گراقدر علم و فرهنگ معاصر بشمار می رفت. معظم له در سال ۱۳۲۵ قمری در میان خانواده ای اصیل و دیده به دنیا گشود. جد اعلاش مرحوم میرزا عبدالرحیم مراغی (حیات ۱۲۵۹ ق) شیخ الاسلام مراغه و از اعظام و اکابر فقها بوده است. جدش مولی هبة الله از افاضل علمای شهر و عمومی والدش مرحوم حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم مراغی (وفات ۱۳۰۰ ق) از حکمای متأله و عرفای صاحب اندیشه در سده سیزدهم هجری است. والدش آیت الله آقا میرزا محمد مجتهد مراغی (وفات ۱۳۵۸ ق) از علماء متفذ و نام آور آن سامان بود و از دانش دینی بهره وافری داشت.

مرحوم آقای هبة اللهی پس از سپری ساختن طفولیت در محضر والد معظمش به تحصیل مقدمات علوم دینی پرداخت. مهم ترین استاد مرحوم در مراغه که بیشتر متون سطوح متوسط و عالی و نیز برخی کتب دیگر را در محضر وی اخذ کرده، فقیه اندیشور و عالم ذوفنون مرحوم آیت الله میرزا حسین آقا مجتهد مراغی (وفات ۱۳۵۴ ق) بود. که در علم و عمل، تقوی و ورع و تخلق به اخلاق حسنه شهره بود.

مرحوم آقای هبة اللهی علاوه بر متون سطح متوسطه و عالی، برخی کتاب های ریاضیات و نجوم را از وی فراگرفت و چون علاقه شدیدی نسبت به تحصیل معارف در خود احساس می نمود، تمام متون سطح را با دقت بسیار به پایان برد و در سال ۱۳۵۰ ق برای تکمیل تحصیلات عالی فقه و اصول عازم حوزه علمیه قم گشت و در درس خارج فقه و اصول آیات عظام شیخ عبدالکریم حائری زدی و سید محمد حجت کوه کمری حاضر شد و با جدیت و پشتکار بسیار و همت عالی به مرتبه والای اجتهاد دست یافت، در آن ایام نیز به تشویق شهید سید محمد علی قاضی طباطبایی در بحث فلسفه و حکمت امام خمینی نیز حاضر شد و مباحث مهمی از حکمت الهی را از آن حکیم ربانی فراگرفت، در این مدت با بزرگانی چون شهیدان صدوقی زدی، اسدالله مدنی و قاضی طباطبایی تبریزی مباحثه کرد.

در سال ۱۳۵۸ ق به جهت ارتحال والد

درآورده، ممکن است ارزش های متفاوت داشته باشند، اما همه آنها از حیث بافت محکم زبان و وسعت گنجینه لغات و ترکیبات کاملاً ممتاز هستند.

ویژگی مهم ترجمه های قاضی این است که خواننده به هیچ وجه گمان نمی برد که دست واسطه ای در کار است و فراموش می کند که مستنی را که از زبانی دیگر، برگردانیده شده، در مطالعه گرفته است. نثر ترجمه های او چنان شیوا و رسا و بدون تعقید و گره است که آثار او را به واقع سرمشقی برای دیگر مترجمان ساخته است.

آقای نجف دریابندری که خود اینک از مترجمان بنام روزگار است، سال ها پیش (در روزنامه اطلاعات، اول دی ماه ۱۳۵۴) درباره وی نوشته بود: به نظر من این بیست و سی ساله اخیر در زبان ما دوره ترجمه بوده است و در این دوره، آغاز کار محمد قاضی، یعنی انتشار «جزیره پنگوئن ها» واقع بسیار مهمی است و به اصطلاح «نقطه عطف» است، چون سابق بر این پیرها غالباً به جای کاربرد واژگانی همچون ورزش [دچار «العباب ریاضیه» و این گونه گرفتاری ها بودند، بگذریم از اینکه غالباً زبان خارجه درستی هم نمی دانستند. جوان ها هم غالباً دامنه فارسی شان خیلی تنگ بود. قاضی آدم دیگری بود. پیدا بود که در میراث ادب فارسی غوطه مفصلی خورده است بی آنکه در آن غرق شود یا دامنش از دست برود.

فرهنگی

خوشبختانه «روشنفکر مدرن» هم نبود و گرفتاری های این قوم را نداشت ...

قاضی بجز ترجمه آثاری که جزو برترین آثار ادبی جهان محسوبند، چند داستان و نیز کتابی درباره «سرگذشت ترجمه ها»یش و کتابی با عنوان «خاطرات یک مترجم» دارد که در آن با بیانی بسیار جذاب از دوران کودکی و زندگی نامه خود، سخن می گوید. او در ضمن بیان سختی ها و مشکلاتی که برای رسیدن به مدارج بالایی علمی و تخصصی سپری کرده، به نقل برخی تجربیات تلخ و شیرین در کار ترجمه نیز پرداخته است. در جایی از آن کتاب (ص ۳۱۲) نوشته: ... اینجاست که باید قبول کرد همچنانکه «شاعری طبع روان می خواهد نه معانی نه بیان می خواهد» ترجمه نیز، تنها با سواد داشتن و زبان بیگانه دانستن میسر نیست و علاوه بر آنها که البته شرایط لازم اند، ولی کافی نیستند، مترجم باید ذوق و قریحه ترجمه و استعداد خاص این کار را توأم با ذوق سلیم شعرشناسی و زیباپسندی داشته باشد.

وی در جایی (نشریه کتاب امروز، شماره اول، مهرماه ۱۳۵۰) در پاسخ به اینکه وی چگونه شیوه های گوناگونی را که هر متن لازم دارد، درمی یابد و به فراخور هر قسمت، نثری متناسب با آن قسمت می آورد، گفته بود: من شخصاً در این مورد معتقدم که نثر اثری که مترجم در کار ترجمه آن است، بهترین راهنمای او در انتخاب ناخودآگاه نثری

است که باید برای ترجمه بیاورد، و من همیشه در ترجمه های خود پای بند به این اصل اساسی بوده ام که نثر نوشته را متناسب با لحن و سبک و زمان نوشته اثر و خصوصیات روحی نویسنده انتخاب کنم.

محمد قاضی گرچه بیش از سی سال بود که تنها با عینک می دید و با سمعک می شنید و با صوتک سخن می گفت، اما تا واپسین روزهای عمر از کار و خلاقیت باز نایستاد و بر گنجینه نفیس آفرینش های ادبی خویش گوهری دیگر می افزود.

قاضی پس از سال ها تحمل بیماری سرطان حنجره، در ساعات آغازین بامداد ۲۴ دی ماه دار فانی را وداع گفت و پیکر او پس از تشییع در تهران، طبق وصیت نامه، به مهاباد انتقال یافت. برخی از مهم ترین آثار محمد قاضی عبارت است از:

دن کیشوت، سپید دندان، جزیره پنگوئن ها، نظری به طبیعت و اسرار آن، شاهزاده و گدا، تاریکترین زندان، مادام بوواری، مهاتما گاندی، نان و شراب، آدم ها و خرنجنگ ها، درباره مفهوم انجیل ها، آزادی یا مرگ، مسیح باز مصلوب، ایالات نامتحد، ماجرای یک پیشوای شهید، فاجعه سرخپوستان آمریکا، بی ریشه، مادر، عروج، کرد و کردستان، تاریخ ارمنستان، صلاح الدین ایوبی، و ...

ویراستار

*

انتشار ترجمان وحی

ترجمان وحی به انگیزه بحث در مسائل مرتبط با ترجمه قرآن و طرح و کاوش در مباحث علمی و تخصصی ترجمه قرآن نشر می یابد.

امتیاز این نشریه از آن سازمان اوقاف و امور خیریه است و مدیر مسؤلی و سردبیری آن را آقای محمد نقسدی به عهده دارد. ترجمان وحی، هر شش ماه یک بار منتشر خواهد شد. شماره اول «ترجمان وحی» پاکیزه و چشم نواز عرضه شده است. با امید به نشر مداوم آن و دست مسریزاد به

نشر دهندگان آن، عناوین برخی از مقالات آن را می آوریم: یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن/ مرتضی کریمی نیا؛ نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه/ جواد حدیدی؛ لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه/ یعقوب جعفری؛ مقدمه ای بر ترجمه قرآن/ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ تاریخ ترجمه از عربی به فارسی/ دکتر آذرتاش آذرنوش و ...

آینه پژوهش ورود ترجمان وحی را به جامعه فرهنگی تبریک گفته، آرزوی توفیقشان را دارد.

*